

به پورتال " افغانستان آزاد-آزاد افغانستان "

خاطرات زندان

کبیر توخی

(شمه ای از جنایات سوسیال امپریالیزم شوروی و مزدوران
فلقی، پرچمی و فادی آن در زندان مخوف پلپرفی)

جلد دوم

بخش (ششم - دهم)

تاریخ چاپ اول (۱۴ جنوری ۲۰۱۱)

تاریخ چاپ دوم (۱۶ جولای ۲۰۱۲)

به جای مقدمه

از رفقای گرانقدر ، دوستان عزیز و خوانندگان محترم که از انتشار جلد اول **خاطرات زندان** اینجانب استقبال درخور توجه نمودند ؛ بدینوسیله ابراز امتنان و سپاس بی پایان می نمایم .
"خاطرات زندان" (جلد اول) که مشتمل بر پنج بخش می باشد ؛ قبلاً در وب سایت های **"پیام آزادی"** www.payameazadi.org و **"پیام فدایی"** و <http://www.siahkal.com> (چریک های فدایی خلق ایران) و **"بابا"** منتشر شده ؛ همچنان به صورت کتاب ، چاپ و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است .

رفقای مبارز و دوستان گرانمایه و خوانندگان با درد و شریف کشور از نشر جلد اول **"خاطرات زندان"** چنان به گرمی استقبال نمودند که بر توانمندی و نیروی این قلم در امر تداوم نگارش بخشهای دیگر **خاطرات زندان** افزودند . جا دارد که در همین ارتباط از اندیشمندی گرامی **داکتر میرعبدالرحیم عزیز یاد** نمایم . این نویسنده ، شجاع و مبارز از اولین روز های تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی به افغانستان تا هم اکنون (که بار دیگر مردم و کشور توسط امپریالیسم جنایتکارو غارتگر امریکا و شرکایش به خاک و خون کشیده شده) ، در امر روشنگری و افشاء گری به خاطر رهائی میهن از چنگال متجاوزین و وطن فروشان خلق و پرچم و خاد و باند های جنایت پیشه و رهنان اخوانی و شبکه های اطلاعاتی کشور های امپریالیستی آثاری زیاد نوشته اند ، و با گام های استوار و قلم توانا در این راستا رزمیده ، و طی سه دهه ، ده ها مقاله پژوهشی ، تحلیلی و افشاء گر شان منتشر شده ، همچنان مطالب مهم سیاسی - اطلاعاتی را در رابطه با رخداد های خونین افغانستان ترجمه نموده و به دست نشر سپرده اند . یک نوشته شان در رابطه با انتشار جلد اول **"خاطرات زندان"** اینجانب تحت عنوان (**"خاطرات زندان کبیر توخی"**) به تاریخ (۲۰۰۹/۱۱/۱۱) در پورتال **"افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"** منتشر شد . همچنان نقد و نظر داکتر صاحب عزیز بر **"خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخی"** از **رحیمه توخی** ، تحت عنوان [**"خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخی یک اثر ماندگار اما دلخراش از یک خانم مبارز و انقلابی محترمه رحیمه توخی"**] به تاریخ ۲۰۱۰ / ۵ / ۳۰ در همان پورتال به دست نشر سپرده شد ، که شماری از خوانندگان با درد تقاضای دستیاب نمودن آن اثر را از وی نمودند . داکتر صاحب میر عبدالرحیم عزیز تعدادی از کتاب **"خاطرات هشت سال پایواری"** را از ناشر آن به دست آورده آنها را طور رایگان به دسترس علاقمندان گذاشتند . رحیمه توخی و من از نویسنده فروتن ، ژرف اندیش و شناخته شده کشور داکتر صاحب عزیز به خاطر نوشتن نقد و نظرش بر کتاب (**"خاطرات هشت سال پایواری"**) و زحمت توزیع آن به علاقمندان ؛ ابراز امتنان و قدردانی نموده ، در امر خطیر مبارزه بی امان علیه دشمنان مردم و کشور برایشان توانمندی و توفیق بیشتر از پیش می خواهیم .

اینک قسمتی از نقد و نظر شانرا در اینجا نقل می نمایم :

« **خاطرات زندان پلچرخی** بقلم توانای آقای کبیر توخی ، یکی از مبارزین انقلابی جنبش چپ ضد امپریالیسم شوروی به رشته تحریر در آمده ... آقای توخی روزگار سختی را در آن ذخیره خانه منتظرین به

اعدام گذشتاند ... من توانمندی فکری و دماغی آقای توخی را درین می بینم که باوجود گذشت ایام و فشارها و زجر و شکنجه های زندان ، توانسته است که مهمترین و دردناک ترین وقایع زندان را با شیوه و بیان روان به روی کاغذ بیاورد ؛ « ... توضیحات مؤلف مبارز بخوبی نشاندهنده بکار برد روش غیر انسانی است که دژخیمان خلقی - پرچمی - خادی به توصیه باداران روسی شان بر مردم اعمال میکردند تا روحیه مقاومت را در آنها منهدم سازند و یا سرانجام نابود شان سازند. بکار برد چال و حیل، زجر و شکنجه، فریب و تهدید جزء عملکرد نظام دست نشانده شوروی در دهه هشتاد بود که امروز هم نوع دیگر آن توسط عمال امپریالیسم امریکا به بهانه تعمیم "دموکراسی و حقوق بشر" در زندان های مخوف افغانستان بکار برده میشود. سازمان های بیطرف حقوق بشر از ارتکاب جنایات وحشتناک بوسیله امریکائیان و نوکران داخلی شان پرده برداشته است. » ؛ « هم میهنان ! شما خوب به پایمردی و دشمن شکنی آقای توخی پی ببرید که ؛ حتا انسان کشان خلقی و پرچمی هم نتوانستند روحیه پایداری و مقاومت را در وی بشکنند و او را وادار به تسلیم سازند. این روش آقای توخی نمونه ای از انقلابیون راستینی است که جان و خون خود را فدای ناموس وطن کردند و یک وجب هم از جانفشانی های انقلابی و راه مبارزاتی خویش عقب نرفتند. »

و منتقد پژوهشگر با پذیرش مسئولیتی که در قبال افشاء جنایتکاران متجاوز به کشور تعهد مندانه متقبل شده است ؛ در اخیر نقدش چنین می نویسد :

« من آرزو ندارم با نقل قول های متعدد ، از کیفیت اصلی کتاب خاطرات زندان کبیر توخی بکاهم و شیوه ارزیابی خود را به خورد هموطنان بدهم . اما معتقدم که اگر هم میهنان ما این کتاب را باز کنند، به محتویات با ارزش آن پی خواهند برد و تا اخیر و با دلچسپی تمام آنرا مطالعه خواهند کرد. در نهایت باید خاطر نشان سازم که کتاب خاطرات زندان کبیر توخی یک ضربه محکم دیگری است که بر فرق میهن فروشان خلقی - پرچمی - خادی فرو می آید و هویت ضد ملی نظام دست نشانده روس را بیش از گذشته افشاء میکند . » .

بخش های بعدی (بخش ششم ، هفتم ، هشتم ، نهم و دهم) خاطرات زندان از مدت ها قبل بر روی صفحات وب سایت " پیام آزادی " و " پیام فدایی " بر قرار گردیده است . مجموعه منتشر شده مذکور در یک فایل (جلد دوم) " **خاطرات زندان** " را احتواء نمود که آنهم از طریق هر دو وب سایت فوق پخش گردیده است . و متعاقب آن در شکل کتاب چاپ و به دسترس علاقمندان قرار داده خواهد شد .

در بخشهای (ششم الی دهم) **جلد دوم** (" **خاطرات زندان** ") ، خطا ها و کمبود هایی تایپی مشاهده شد ، به خاطر رفع این نقیصه و بعضی نکات تحریر نشده که در ابتدای نگارش خاطرات زندان یاد مانده ها و یاداشتهایم را بنا بر معاذیر صحی به دو بخش مهم و مهم تر تقسیم نموده بودم تا آنچه از اولویت بر خوردار است هر چه زودتر به دسترس هموطنان قرار بگیرد ، تا نسل جوان کشور که در آن شرایط دهشتبار نمی زیستند ، بدانند که خلقی ها پرچمی ها و خادی ها چه جانورانی بودند . وقتی کار جلد اول و دوم خاطرات زندان تکمیل گردید و در سایت های " پیام آزادی " و " پیام فدایی " به دسترس خوانندگان گرامی قرار داده شد ، مسئولین خاد ، عده ای از تسلیمی ها را واداشتند تا بر علیه این قلم تبلیغات مغرضانه به راه انداخته و عده ای دیگر به خاطر حفظ ظاهر و دید انحرافی ایدئولوژیک - سیاسی که گویا نوشته من در مورد آنها نادرست و داوری ام در مورد شان نا وارد است ، تا بدین وسیله از یک طرف ضعف های خود را بپوشاند و کارنامه ننگین

داخل زندان خود را مخفی نگهدارند و از جانبی دیگر برای جلادان زندان و خاد آبرو کمایی کنند تا هدف خاد بر آورده گردد که اگر تسلیمی هایش ضعف های خود را پایداری وانمود کنند و قسمت هایی را که در مورد آنان و کارنامه های ننگین شان نوشته شده است، گویا از "اعتبار" ساقط سازند؛ خاد و مسئولین زندان تمام کتاب را زیر سوال ببرند که گویا آنان شکنجه گر نبوده و برخورد شان با زندانیان کاملاً انسانی بوده است، لهذا ناگزیر گردیدیم که در پارهٔ موارد به تشریح و توضیح جزئیات پردازم که در هر دو جلد مواردی وجود داشت که تفسیر بیشتر می طلبید؛ روی این منظور به خاطر رفع کاستی ها و کمبود ها تمام بخشها را با یادداشت های زندانم مقابله نمودم. آن بخشی یادداشتها که در ابتداء به نشر نرسید، جزئیاتی را در خود داشت که از آن به سادگی نمی شد گذشت. روی این منظور جلد اول [بخش ۱ - ۵] و جلد دوم [بخش ۶ - ۱۰] را دوباره خوانی و تصحیح و تکمیل نمودم.

خوشبختانه یک تن از رزمندگان دلیر "جنبش دموکراتیک نوین افغانستان" دوست فروتن و رفیق گرانقدر (احمد پوپل) قبول زحمت فرموده، نه تنها در باز خوانی، تصحیح و ویراستاری (جلد دوم) مسئولانه سهم گرفت؛ بلکه کارتصحیح و ویراستاری - تجدید چاپ - جلد اول را نیز به اتمام رساند که چندی قبل در وب سایت "پیام آزادی" و پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر گردید.

در خور یاد آوری است که این رفیق گرانمایه مدتی از عمر مبارزاتی و پربارش را در زندان های وزارت داخله، صدارت و زندان پلچرخی، در زیر شکنجه های وحشیانه خلقی های کودتاچی پیروزمندانه سپری کرده است. با تأسف زیاد، برادر مبارزش (حمید پوپل) - که بعد از فراغت از فاکولته اقتصاد و مدتی کار در وزارت مالیه، به خاطر مبارزه سازمانیافته علیه دولت تره کی - امین توسط جلادان اکسایبی گرفتار گردید، و در جریان تحقیق توسط مستنطقین شکنجه گر خلقی - پرچی چنان وحشیانه شکنجه شد که قلب پرآرزش در جریان شکنجه از حرکت باز ماند و به جاویدانگی پیوست، یاد این مبارز تسلیم ناپذیر و حماسه آفرین جنبش انقلابی کشور گرامی باد!

این قلم مغایر میل و رغبت رفیق ارجمندم احمد پوپل، در رابطه با وی، و برادر زنده یادش در این جا تذکراتی دادم. به هر رو، به خاطر این همکاری رفیقانه در امر نشر تجدید چاپ جلد اول و تجدید چاپ جلد دوم کتاب "خاطرات زندان" - که یاد آوری آن را در اینجا لازم نمی دید - رفیقانه از وی ابراز امتنان می نمایم.

یک رفیق طی بحثی اظهار داشت:

«نوشته (مؤرخ ۴ جون ۲۰۰۹) دوکتور حسین بهروز در رابطه با **داکتر عبدالرحمن محمودی** فقید به نام (آزاده ای بر بلندای معرفت و شجاعت) در سایت "دانش نامه ی آریانا" به دست نشر سپرده شده، در اخیر نوشته وی چنین آمده: "وی (داکتر محمودی فقید) رسالهٔ مستوفای دیگری محتوی عدم مراعات حقوق بشر در افغانستان در محبس نوشته بیرون فرستادند هنگامی که **نکسن** معاون رئیس جمهور امریکا به افغانستان دعوت بود **مادر** "ماگه رحمانی" که در نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل کار می کردند این نبشته را در شب مهمانی نکسن در آن سازمان به وی رسانید". حال همین نوشته را یک شخص خود غرض و مفتن

در یکی از سایت ها (در رابطه با بحث های خود) به منظور ایجاد آشفته فکری در اذهان نسل نو منتشر نموده است ، رفقا از شما می خواهند تا درمورد " **مادر ماگه رحمانی** " اگر میسر باشد قدری بیشتر بنویسید «
با تشکر از یاد آوری این رفیق همرزم ، پژوهشگران ارجمند لطفاً به توضیح بخش هشتم (۳- ب) مراجعه نمایند .

یاد آوری لازم :

به چند تنی که به اشکال مختلف (تلویحاً در نوشتار، یا تلفونی و یا با پیام شفاهی) این قلم را به خاطر نشر "خاطرات زندان" مورد تهدید قرار داده اند ، خاطر نشان می سازم :کاروان پر توان و پر بار کار و پیکار مبارزاتی من (نوعی) و سایر رفقای همرزم ، کوره راه های پر پیچ و خم مبارزه را - چون گذشته ها - بی هراس می پیماید . هیچ پارس و قوله ای سد راه مبارزاتی مان - که افشاء بی امان و بی رحمانه خلقی ، پرچمی ، خادی ، عوامل المخابرات العامه ، تسلیمی های بی حیا و رسوا [که بوسیدن دست خون آلود جلاد خاد را در زمان ریاست جمهوری اش مایه سرفرازی خویش می شمارند] ، و نفوذی های تا کنون افشاء نشده در داخل جنبش چپ انقلابی کشور ، و سایر جنایت پیشه هایی که درحوزه فرهنگی با گفتار و قلم ، و یا مستقیماً در خدمت ماشین جنگی امپریالیزم جهانی به سر باندی امپریالیزم جنایتکار و غارتگر امریکا قرار دارند ؛ همچنان آنانی که از رادیو های امپریالیستی به فریب مردم پرداخته از "عدالت اسلام" ستایش نموده و تجاوز قوای ایساف را بر افغانستان قانونی خوانده آنرا مورد تأیید قرار می دهند و به خاطر به اصطلاح " بی اثر ساختن " ("خاطرات زندان") این قلم مذبوحانه تلاش می ورزند ؛ نخواهد شد .

کبیر توخی

[تاریخ انتشار قبلی (۱۴ جنوری ۲۰۱۱)]

[تاریخ انتشار فعلی (۱۶ جولای ۲۰۱۲)]

با تشکر از نقد و نظر علی مشرف - این رفیق دلیر و مبارز

به جاست ، هرگاه تذکر بدهم که من نویسنده حرفه ای و چیره دست نیستم . فهم ناکافی ام از فن نگارش ، توأم با کمی ها و کاستی ها بوده است ؛ از همین سبب بخش های از جلد اول خاطرات زندانم را - من جمله - برای این رفیق پژوهشگر مسایل سیاسی - تاریخی (که همانند سایر رفقا بر نوشتن خاطرات زندانم همواره تأکید می ورزید) غرض ویراستاری فرستادم . جا داشت که نقد و نظرش از خاطرات زندانم را در جلد اول درج نموده پیشکش خوانندگان گرانقدر می نمودم . با تأسف که مشکل تخنیکی مانع گردید .

اینک نقد و نظر رفیق ارجمند (مشرف) در ذیل تقدیم می شود . توخی

خاطرات زندان پلچرخی

و یا

اقامه دعوا علیه روس اشغالگر و نوکران زر خرید آن

علی مشرف

(۱۴ جولای ۲۰۱۲)

گسترده‌گی ابعاد جنایت روسها و نوکران شان طی دوران حاکمیت آنها در افغانستان، تلاش فعلی رهبران و سایر جنایتکاران مربوط به خلق و پرچم جهت وارونه نشان دادن تمام وقایع ۱۴ ساله حاکمیت آنها و از همه مهمتر فقدان نوشته ها و آثاری که بتواند در آینده و برای نسل هائی که در شرایط دهشتبار حاکمیت آنها نزیسته و حیات تحت حاکمیت آنها تجربه مستقیم شان به شمار نمی آید، مؤثر واقع شده ضمن آگاهی کامل بر ابعاد آن جنایت ها و نفرت از مسببان آن، به حارسان میهن و خون های پاک آنها ارج و احترام قایل شوند، یکی از دلایلی بوده و می باشد که هرگاه با شخص صاحب قلمی که رنج آن دوران را تحمل نموده مواجه شده ام، همیشه از وی خواسته ام تا قلم به دست گرفته، با بیان زندگانی رقتبار و هراسناکی را که پشت سر گذاشته، به علاوه بیان سرگذشت خودش، جنایتکاران را نیز افشاء نماید.

بر همین مبنا وقتی به کانادا آمدم و با شاعر، نویسنده و مبارز دراک و نکته سنج، رفیق ارجمندم "توخی" آشنا شدم، به خود اجازه دادم تا عین تقاضا را با ایشان نیز در میان گذارم. با آن که ایشان در همان اولین باری که از نگارش خاطرات زندان صحبت به عمل آمد، عزم شان را در قسمت انجام آن امر با قاطعیت بیان داشتند، مگر وقتی بعد ها به اساس ارتقای شناخت، مطلع گردیدم که رفیق "توخی" در تمام دوران زندان، با قبول خطر جانی برای خود و همسر فداکار و مبارزش رفیق "رحیمه توخی" که دست درازی در سرودن شعر و نوشتن نثر دارند، به صورت مرتب یادداشتها و مطالب را به شکل کتبی و شفاهی از زندان انتقال داده و تمام آنها نه تنها با خروج از زندان در اولین فرصت از طرف آن خانم مبارز، تنظیم و یا تحریر گردیده بلکه ، شخص رفیق "توخی"

هم، بعد از رهائی از زندان، قبل از آن که گذشت روزگار بر برخی از خاطره ها گرد فراموشی پهن نماید، با تکیه بر یاد داشتهائی که از داخل زندان فرستاده بود، استخوان بندی و ستون فقرات خاطرات زندانش را آماده نموده است، بر تقاضا هایم بیشتر افزوده و حتا مشکلات صحتی این رفیق رزمنده را نیز به حساب نیاوردم.

اینک از صمیم قلب خوشحالم که سرانجام رفیق "توخی" با فراهم نمودن تمام مواد لازم، کار روی تحریر خاطرات زندان شان را که در واقع می تواند، به مثابه اقامه دعوا و اعلام جرم علیه دولت دست نشاندۀ خلق و پرچم و ارتجاع سیاه باشد، تهیه و آماده نشر نموده اند.

این قلم که شامل یکی از محدود کسانی ام که یاد داشتهها را قبل از نشر دیده ام به دلایل آتی می توانم به جرأت بنویسم، که این خاطرات در نوع خود اگر نگوئیم بهترین و یا یگانه اثر به درد بخور و قابل اعتماد در زمینه است، به یقین می توانیم بنویسیم که یکی از بهترین ها در نوع خود می باشد، زیرا :

با وجودی که خاطره نویسی در زبان دری و در تاریخ کهن کشور یکی از منابع موثق جهت تدوین مطالب تاریخی به شمار رفته و از سابقه بس طولانی برخوردار است، و کمتر کسی را می توان سراغ گرفت که برگه از تاریخ درخت پر بار ادب و فرهنگ این کشور چیده باشد و با نام هائی چون ناصر خسرو و "سفرنامه اش" و یا کتب تاریخی چون "تاریخ احمد شاهی نوشته آقای حسینی" و یا "واقعات شاه شجاع" که بیشترین بخش آن به قلم خود وی نوشته شده، آشنائی نداشته باشد، مگر با آنهم حاکمیت ۵۰ ساله خاندان جبار نادری، به همان سانی که در سایر زمینه ها، رشد طبیعی نیروهای مولده کشور را سد نموده از شکوفائی فرهنگی در آن جلو گیری می نمود، در زمینه نگارش خاطره ها و یا سفر نامه ها نیز نقش منفی مفرط خویش را بازی نموده تا حدودی چنین امری را نزد نسلی که در اواسط قرن ۲۰ زندگانی می نمودند، به بیگانگی سوق داد.

اگر خواسته باشیم عمق فاجعه را در این زمینه بیشتر بنمایانیم به جرأت می توان نوشت که خاندان جبار نادری با تمام قوا کوشیدند تا از رشد و گسترش فرهنگ کتبی جلو گیری نموده، حتا با حاکم ساختن فضای "دیوارها موش دارد و موشها گوش" همان فرهنگ شفاهی را نیز از رشد و بالندگی باز دارد.

مگر از زمانی که نوکران زرین قلاده روس، کشور ما را در گرداب حوادث ملی و بین المللی پرتاب نمودند و به دنبال آن میلیونها تن افغان از کشور راهی دیار پناهندگی گردیدند، قلم به دستان اعم از جنایتکاران و خاینان خلقی- پرچمی - خادی و یا هم گفتار دهن دریده اخوان و به همان سان، بیروکراتهای فاسد سلسله نادری، از امکانات خارج کشوری بهره جسته، به مانند سایر مود های فراگیر و زود گذر، خاطره نویسی نیز به مود تبدیل شده، همه دیدیم که رهبران جنایت پیشه خلق و پرچم از "دستگیر پنجشیری" گرفته تا "قدوس غوربندی" و از "کشتمند" گرفته تا "نبی عظیمی" و یا "نظیف الله نهضت" و یا هم "حق شناس"، "رشتیا"، "مجددی" ها و دهها تن دیگر از عوامل ارتجاع و استعمار زیر عنوان نگارش خاطره، تحریف و باژگون سازی تاریخ را به مثابه هدف قرار داده، یکی پشت دیگری اراجیف و دروغنامه های شان را به نشر سپردند، در این میانه یگانه نیروئی که بیشتر از تمام نیروهای دیگر قربانی داده و باز هم بیشتر از همه، چیزی برای راست گفتن داشت، روی ده ها دلیل موجه و یا غیر موجه کمترین تکانی در زمینه نخورده بود، بناءً یکی از دلایلی که نوشته رفیق "توخی" را نسبت به سایر کتب از برازندگی خاصی برخوردار می سازد، در نوع خود بی نظیر بودن آن است.

یا به تعبیر دیگر در حالی که هریک از طیف های متخاصم جامعه، ده ها و صدها کتاب و خاطره از خود و به دفاع از طیف خود نگاشته اند، خاطرات زندان رفیق "توخی" یگانه اثری است که به صورت کامل و جامع از طیف نیروهای انقلابی بیرون داده می شود.

امتیاز دیگری که این اثر، نظر به آثار دیگری که در همین زمینه انتشار یافته اند، از آن برخوردار است، علت و یا غرض و یا هدف از نگارش این خاطرات است، چه خلاف اکثر آثار نگاشته دیگر که یا غرض از نگارش دفاع و توجیه فرد از آن چه گذشته است، می باشد و یا این که فرد مشخصی زیر فشار وجدان و یا هم عوامل بیرونی مجبور به اعتراف بخش و تمام زندگی اش می گردد و یا این که خاطره نویس می خواهد با خاطره نویسی و در ضمن آن بوت پاکی مطبوعاتی برای خود چین و یا کلاهی ذخیره بدارد، در نوشته رفیق "توخی" در اساس علت، انگیزه و هدف از نگارش خاطرات زندان، در قدم اول بیان رنج و زحمتی است که فرزندان خلق افغانستان برای آزادی و بقای کشور در زندان مخوف پلچرخی و دخمه های مرگ زندان های علنی و مخفی رژیم متحمل شده اند و در ثانی هر سطر و هر برگ خاطرات به مثابه سند جرم و جنایت رژیم دست نشاندۀ نیز بوده، در پیشگاه تاریخ می تواند به حیث اقامه دعوا علیه مناسبات ضد انسانی و غارتگرانه استعماری به شمار بیاید. گذشته از مقام بالائی که هدف نگارش خاطرات از آن برخوردار است، کتابی را که رفیق "توخی" نگاشته است از لحاظ شیوه نگارش نیز می تواند در نفس خود بی نظیر باشد چه:

همه می دانیم که خاطره نویسی در کل تا حال با سه روش صورت گرفته است، بر مبنای یادداشتهای روزانه، بر مبنای حافظه و آنچه را حافظه توانسته در خود نگهدارد و سرانجام به شکل مصاحبه ها. این را هم می دانیم که هریک از این اشکال، از خود محاسن و معایب خاص خود را نیز دارد، به صورت مثال در حالی که بهترین و مستندترین شکل خاطرات نویسی را استفاده از کتاب و یا یادداشتهای روزانه دانسته اند و در برخی از موارد مثل ارائه ارقام، اسما و تاریخ همین طور هم است، مگر این نوع خاطرات نویسی با تمام درستی و اهمیت آن، در بهترین صورت فقط قادر است همان بخش از رویداد های اجتماعی را به تصویر بکشد که خاطره نویس شخصاً در آن رول داشته و می توانسته بر آن وقایع اشراف داشته باشد، یعنی چه بسا مطالب بسیار بی ارزشتر از یک امر مهم، به علت آن که تجربه مستقیم خاطره نویس بوده صفحات چندی را به خود اختصاص دهد بدون آن که به آن امر مهم حتما اشاره ای صورت گرفته باشد. به همین سان، خاطره نویسی بر مبنای حافظه، با در نظر داشت آن که تمام افراد در سپردن مطالب در حافظه از توانمندی یکسانی برخوردار نیستند، و خلاف آنهایی که طی تمرین های مکرر و پیروی از یک روش خاص زنده نگهداشتن خاطرات قادر می گردند تا حافظه شان را به مفهوم واقعی کلمه به یک "حافظه فوتوگرافیک" مبدل نمایند، که همه چیز را چنان دقیق در خود جای دهند که بی شباهت به یک عکس و یا فوتو نباشد، هستند کسانی که نمی توانند تمام مطالب را با عین دقت به حافظه بسپارند، عکس آن مطلبی را که در همان لحظه بر آنها تأثیر عمیقی از خود به جا گذاشته، صرفنظر از اهمیت و یا هم بی اهمیتی، به حافظه سپرده اند و ده ها مطلب دیگر را فراموش نموده اند. همچنان برای آن که خاطراتی بر مبنای مصاحبه ها درست و دقیق تنظیم شده بتواند، نه تنها باید شخص مصاحبه شونده از حافظه بدی برخوردار نباشد بلکه، الزاماً مصاحبه کننده نیز باید چنان در اصل مسأله و موضوع مصاحبه وارد و حتما خبره باشد که بتواند به مانند یک مستنطق سخت گیر، مطالب مورد نظرش را از اعماق حافظه طرف مقابل بیرون نماید، امری که در همه حالت مقدور نیست.

و اما وقتی خاطرات زندان رفیق "توخی" را ورق می‌زنیم و از نزدیک سبک کارش را مورد مذاقه قرار می‌دهیم دیده می‌شود که این رفیق، چقدر مسؤولانه و از سالیان سال به این طرف کوشیده است با آمیزه و ترکیبی از هر سه روش، مواد خام مورد ضرورت خویش را تهیه و حین نگارش به آنها مراجعه نماید. به صورت مثال:

در حالی که رفیق "توخی" در هر پایوازی قسمتی از داشته‌های ذهن خویش را که خاطرات همان برهه بوده است، به وسیله همسر رزمنده و فداکارش که در مبارزه، با هم همسنگرش بوده اند، به صورت کتبی و یا هم شفاهی به بیرون انتقال می‌داد و آن همسر هم، آنها را تنظیم و تحریر می‌داشت، با مهارت خاصی که فقط می‌توان از طریق ارتقای آگاهی و ممارست دایم بدان دست یافت، حافظه اش را چنان زنده، و گیرا پرورش می‌داد که لغت "حافظه فوتوگرافیک" بتواند در موردش مصداق کامل داشته باشد و از طرف دیگر تکرار وقایع را در ذهن نه تنها به مثابه اسباب و یا وسیله پرورش حافظه بلکه به مثابه هدف قابل یاد آوری به خاطر می‌سپرد؛ با تمام وجود و علاقه مندی خاصی، پای صحبت تمام هم‌زنجیران و آنهایی که به مانند خودش در بند ستم استعمار از آزادی محروم شده بودند، نشستند در واقع با طرح سؤالات به جا و منطقی، بر غنای معلومات خویش می‌افزود

با در نظرداشت سطور بالا، وقتی اینک می‌خواهد خاطراتش را بنگارد، از یک جانب برخورداری از آن یادداشتهای روزانه، از طرف دیگر داشتن حافظه قوی و به مثابه ممد هر دو روش دیگر، پرسیان و جویان از تمام آنهایی که در زندان با وی محبوس بودند، در واقع کتاب را پایه و مبنای سه جانبه و فراخ داده، درصد صحت و درستی آن را به آن حدی افزایش می‌دهد که تا حال کمتر اثری با آن درصد و دقت دیده شده است. امتیاز دیگری که این کتاب نسبت به کتب دیگر در عین موضوع دارند، زبان صریح، اجتناب از مجامله و دورویی، و طرح بیهراس مسایل می‌باشد. چه خلاف برخی از نویسندگان دیگر که وقتی می‌خواهند، خاطرات خویش را بنگارند، حوادث آن زمان را تابع خوشبینی‌ها و بدبینی‌های کنونی خویش می‌سازند، رفیق "توخی" با زبان صریح و بی‌پرده، خوب افراد را خوب و بد آنها را بد گفته کمترین هراسی هم از آنها در دل راه نداده است، کاری که نه تنها هرکسی قادر به انجام آن نیست، بلکه تمام آنهایی را که دامن آلوده و تر دارند نیز علیه نویسنده تحریک نموده به تکذیب کتاب و محتوای آن می‌پردازند.

همان طوری که در آغاز این نوشته تذکر دادم ارزش خاص این نوشته نزد این قلم، نقشی است که در روشننگری برهه‌ای از تاریخ کشور و به مثابه اقامه دعوا علیه مزدوران روس به کار برده می‌شود. پس بگذار خلاف آزادگان و راهیان راه آزادی کشور و نجات انسان دربند آن، که این کتاب را به مثابه برگی از تاریخ مبارزاتی فرزندان خلق ما تقدیر می‌نمایند، عوامل ارتجاع و امپریالیزم علیه آن خصومت بورزند، من اطمینان دارم که چنین خصومت ورزی هائی، باعث خواهد شد تا رفیق "توخی" در بخشهای باقیمانده کتاب کارشان را صریحتر، رساتر و نهادینه تر از آنچه اکنون است انجام داده، هر سطر آن را خنجری خواهند ساخت که گلوی عوامل امپریالیزم و ارتجاع را ببرد. ❏